

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثی پیرامون رجال کتاب کامل زیارات

تقریر درس آیه الله العظمی حاج شیخ میرزا جواد تبریزی مدظله العالی

(۱۳۴۵-۱۴۲۷ق)

مرحوم شیخنا الأستاذ آیه الله العظمی میرزا آقای  
حاج شیخ جواد تبریزی مدظله العالی در درس خارج فقه،  
کتاب شهادت، هنگام بحث از این مسأله که آیا  
عداوت دینیه یا دنیویه مانع از قبول شهادت است یا  
نه؟<sup>۱</sup> استطراداً به بحثی پیرامون رجال کتاب کامل  
الزیارات پرداختند. آنچه در ذیل می آید نگارش یافته  
این بحث است.

مقرر در بحوث رجالی خود بالتفصیل به این  
مطلب پرداخته است که به احترام استاد در این مقال از  
آن صرف نظر می کند.

۱۷ صفر ۱۴۴۱

کمترین شاگرد استاد

اصفهان - هادی نجفی

شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفی سنة ۳۶۷هـ) صاحب کتاب کامل  
الزیارات در مقدمه کتابش گوید: «أنا مبین لك أطلال الله بقاءك ما أثاب الله به الزائر لنيبه وأهل بيته  
صلوات الله عليهم أجمعين بالآثار الواردة عنهم عليهم السلام على رغم من أنكر فضلهم ذلك وجحده وإباه وعادى

---

۱. الشرائع، ج ۴، ص ۱۱۸: «الثانية: العداوة الدينية لا تمنع القبول... أما الدنيوية فإمتنع...»، چاپ مرحوم  
عبدالحسين بقال.

عليه وبالله أستعين على ذلك وعليه أتوكل وهو حسبي في الأمور كلها ونعم الوكيل وإنما دعاني إلى تصنيف كتابي هذا مسألتك وتردادك القول عليّ مرة بعد أخرى تسألني ذلك ولعلمي بما فيه لي من المثوبة والتقرب إلى الله تبارك وتعالى وإلى رسوله وإلى عليّ وفاطمة والأئمة صلوات الله عليهم أجمعين وإلى جميع المؤمنين ببثه فيهم ونشره في إخواني المؤمنين على جهلته فاشغلت الفكر فيه وصرفت الهم إليه وسألت الله تبارك وتعالى العون عليه حتى أخرجته وجمعتة عن الأئمة صلوات الله عليهم أجمعين من أحاديثهم ولم أخرج فيه حديثاً روى عن غيرهم إذا كان فيما روينا عنهم من حديثهم صلوات الله عليهم كفاية عن حديث غيرهم، وقد علمنا أنّ لا نحيط بجميع ما روي عنهم في هذا المعنى ولا في غيره ولكن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته ولا أخرجت فيه حديثاً روى عن الشذاذ من الرجال يؤثر ذلك عنهم عن المذكورين غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث والعلم وسميته كتاب كامل الزيارات»<sup>٢</sup>.

باتوجه به جلالت و وثاقت جعفر بن محمد بن قولويه صاحب كتاب، از عبارات فوق دو گونه استفاده شده است:

١- حاجی میرزا محمدحسین نوری رحمته الله از کلامش استفاده کرده که مشایخ جعفر بن محمد بن قولویه به شهادت خودش همه ثقات هستند، همان گونه که مشایخ نجاشی از ثقات اند چون خود نجاشی شهادت به آن می دهد. و لذا مشایخ ابن قولویه را در خاتمه کتاب مستدرک الوسائل<sup>٣</sup> از ثقات شمرده است.

٢- برخی بالاتر گفته اند که: هر روایتی را ابن قولویه نقل نموده است، همه رجالش که مذکور در اسناد کتاب کامل الزیارات می باشند در حکم ثقات اند.

و بنابر این مبنای دوم توثیق عام همه مذکورین در کتاب کامل الزیارات استفاده می شود که

---

٢. کامل الزیارات، ص ٣ و ٤، تصحیح و تعلیق علامه شیخ عبدالحسین امینی رحمته الله، چاپخانه مرتضویه، نجف اشرف، ١٣٥٦ ق.

٣. خاتمه مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٢٥١ و ج ٧، ص ١٠٩.

آیه‌الله خوئی رحمته ابتداءً قائل به این مبنا بودند؛ سپس عدول فرمودند.

براساس این مبنای دوم هرگاه تضعیف یک راوی ثابت شود توثیق عام نسبت به او از حجیت می‌افتد. اما در مواردی که تضعیفی وجود ندارد این توثیق عام دلالت بر وثاقت راوی می‌کند.

ولی به نظر ما توثیق عام، اصلی ندارد و حکم به وثاقت روات کتاب کامل الزیارات نمی‌شود، همان‌گونه که حکم به وثاقت مشایخ بلاواسطه ابن قولویه نیز نمی‌شود، چون آنچه که در خطبه کتاب می‌فرماید که از ثقات اصحاب روایت می‌کند:

۱- از باب تحقیق نیست بلکه تغلیب است.

۲- همان‌گونه که از غیر معصوم نیز روایت نقل می‌کند، مانند: محمد حنفیه ابن امیرالمؤمنین علی علیه السلام و کعبی و عایشه و مانند آنها.

بلکه (روی عن الشذاذ من الرجال...)، برخلاف ادعایی که می‌فرماید: «لا أخرجتُ فيه حديثاً روی عن الشذاذ من الرجال».

**اما دلیل مطلب اول:** این کتاب حدود ۷۵۰ حدیث دارد، ثلث یا ربع این احادیث مرفوعه و مرسله است از معصومین علیهم السلام، وقتی ابن قولویه روایت به نحو ارسال و مرفوعه به او رسیده از کجا می‌تواند آنها را توثیق کند در حالی که اصلاً نمی‌داند چه کسانی هستند. و مرسل هم مانند ابن ابی عمیر نیست که کسی ادعا کند که مراسیلش مانند مسانیدش است:

**منها:** صفحه ۲۸۸ کیفیت زیارة النائی عن قبور الأئمة علیهم السلام باب ۹۶، حدیث ۶، «اسماعیل بن سهل» تضعیف شده، «أبی أحمد» مهمل است. و «عمّن رواه» مرسل است.

**ومنها:** صفحه ۲۸۵، باب ۹۵، حدیث ۱، «عن أبی یحیی الواسطی عن رجل» که معلوم نیست کیست.

**ومنها:** صفحه ۵۱، باب ۱۴، حدیث ۵، «الحسن بن محبوب عمّن ذكره».

---

۴. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۵۰.

ومنها: صفحه ۳۱، باب: فضل الصلاة في مسجد الكوفة، حدیث ۱۶، «لیث» مجهول است.  
ثمّ «فلان عن فلان عن عائشة» مراد چه کسانی هستند؟

ومنها: صفحه ۱۱، باب اول، حدیث ۳، «احمد بن ادریس عمن ذكره».

لذا حاجی نوری رحمته الله وقتی دیده نمی‌شود، همه روایات این کتاب را ثقه دانست حمل بر مشایخ بلاواسطه ابن قولویه کرده است.

ولی ظاهر کلام ابن قولویه وثاقت طُرُق است لکن از باب تغلیب نه تحقیق. پس وثاقت مشایخ بلاواسطه ابن قولویه را نیز نمی‌پذیریم و آنان توثیق نشده‌اند. **هذا اولاً.**

و ثانیاً: از طرف دیگر جعفر بن محمد بن قولویه از مشایخ شیخ مفید و قدری بزرگ‌تر از شیخ صدوق و معاصر با وی است، همان‌گونه که با محمد بن عمر بن عبدالعزیز اباعمر و کشی نیز معاصر است، پس چگونه است هیچ‌یک از ارباب رجال و حدیث مانند کشی و صدوق و شیخ طوسی و نجاشی توثیق این افراد را ملتفت نشده‌اند، در حالی که فقط ابن قولویه وثاقت آنان را احراز کرده است، و بعید است ابن قولویه در حالی که با این افراد قریب العهد و الزمان است بتواند حدود ۴۰۰ نفر را توثیق نماید، در حالی که بقیه رجالین نامبرده آنان را مهمل گذاشته یا تضعیف کرده‌اند.

بنابر این مقصود ابن قولویه از عبارت خطبه کتاب این است که مطالب عموماً از ثقات رسیده و مضمون احادیث صحیح می‌باشد.

**ثالثاً:** با وجود افرادی که همه رجالین آنان را تضعیف نموده‌اند و با وجود مرسلات و مرفوعات، انسان جزم و یقین می‌کند که عبارت خطبه کتاب از باب تغلیب است.

**دلیل مطلب دوم:** تتبع است. متتبع در این کتاب روایاتی را می‌یابد که به غیر معصومین منتهی می‌شود از افرادی که معروف به فقاهاست هستند، مانند: صفحه ۹۴، باب ۲۹، حدیث ۳ و ۴ «حدثني حکیم بن داود بن حکیم...».